

مکتوبی از پاریس: مصطفی‌فاضل پاشا و نقد ساختار قدرت در عثمانی

توران طولابی^۱

(دریافت مقاله: ۹۶/۰۸/۱۰ - پذیرش نهایی: ۹۶/۱۰/۲۴)

چکیده

در دوره سلطنت محمود دوم و عصر تنظیمات، زمینه برای شکل‌گیری نسلی از متفکران تجددخواه عثمانی موسوم به نوعثمانیان فراهم شد که آرای انتقادی خود علیه دولت را صورت‌بندی کردند. الگوی بدیلی که نوعثمانیان برای شیوه حکومت عرضه کردند، آبخور غربی داشت و در مقایسه با اصلاحاتی که تا آن زمان پیشنهاد شده بود، وجوه متمایز معینی داشت. یکی از چهره‌های برجسته‌ای که در شکل‌گیری و تأثیرگذاری جریان فکری نوعثمانیان نقش پررنگی ایفا کرد، مصطفی‌فاضل‌پاشا، شاهزاده منتقد مصری بود. وی در نامه‌ای به سلطان عبدالعزیز، ساختار اقتصادی و سیاسی دولت عثمانی را به پرسش گرفت. محتوای این نامه که به «مکتوبی از پاریس» شهرت یافته است، از دو منظر قابل بررسی است؛ نخست نقد ساختار اقتصادی و سیاسی عثمانی و دوم ارائه راهکارهایی چون ضرورت الگوگیری از غرب، بسط «حریت» و پذیرش حکومت مشروطه یا به تعبیر آن روزگار «نظام سربستانه». در این مقاله کوشش شده است تا از طریق تحلیل انتقادی محتوای این نامه در زمینه تاریخی و گفتمانی نگارش آن، ابعادی از تلاش متفکران نوعثمانی در جهت نقد ساختار قدرت و ارائه الگوی بدیل سیاسی بررسی شود.

کلیدواژه‌ها: تنظیمات، مصطفی‌فاضل پاشا، مکتوبی از پاریس، نظام سربستانه، نوعثمانیان

مقدمه

پس از سلطان سلیمان (حک: ۹۲۶-۹۷۴ق/۱۵۲۰-۱۵۶۶م.) اختر دولت عثمانی رو به افول نهاد و به تدریج آثار این افول که از منطق درونی ساختار عریض و طویل آن مایه می‌گرفت، در اوایل سده دوازدهم/هجدهم هویدا گشت. از این زمان به مدت چند سده و در پاسخ به مقتضیات روز، رشته اصلاحاتی آغاز شد که در قالب عصر لاله (۱۱۳۰-۱۱۴۲ق./۱۷۱۸-۱۷۳۰م.)، نظام جدید (۱۲۰۳-۱۲۲۲ق./۱۷۸۹-۱۸۰۷م.) و تنظیمات (۱۲۵۵-۱۲۸۸ق./۱۸۳۹-۱۸۷۱م.) تجلی یافت. هدف اصلی این اصلاحات، به ویژه از اوایل سده سیزدهم/نوزدهم جبران ناکامی‌های نظامی و تدبیر بحران ناشی از آن بود. همسایگی با غرب و مداخله متحدان اروپایی عثمانی در این روند به معنای آن بود که نظام‌های سیاسی فرنگی به مثابه الگویی بدیل، توجه مصلحان را برانگیخته است. ظهور نوعثمانیان از بستر این نخواستاری درونی که نخستین جریان فکری تجددخواه در عثمانی به شمار می‌رود، به نقد ساختار قدرت و طرح مطالبات سیاسی، وجه پیشروانه‌تری بخشید. دستاوردهای فکری نمایندگان این جریان، هم در درونمایه و محتوا و هم به لحاظ قالب و گونه نوشتاری، شایسته بررسی است. از منظر نخست نوعثمانیان به سیاست‌های دولت عثمانی نقدهایی وارد کردند که عمدتاً متوجه وضع سیاسی و اقتصادی عثمانی بود. از منظر دوم توانستند طرحی نو در شیوه و ابزار بیان تجددخواهی خود دراندازند. نگارش گونه‌هایی چون رؤیا، روزنامه‌نگاری انتقادی یا سرایش اشعار وطنی، بیانگر این بود که نشانه‌های تحول در درون‌مایه و زبان نوشتاری در آن هویدا است و نوعثمانیان در آن سهم چشمگیری دارند.

نقد اصلی و محوری نوعثمانیان متوجه ساختار و شیوه حاکمیت عثمانی بود. آن‌ها کوشیدند مفاهیم جدیدی چون آزادی و نظام پارلمانی را که در فضای گفتگویی غرب مدرن تکوین یافته بود، به ادبیات سیاسی عثمانی وارد و در برابر الگوی اصلاحات محدود و از بالا، نمونه بدیلی را پیشنهاد کنند. مصطفی فاضل‌پاشا یکی از چهره‌های برجسته در میان نوعثمانیان بود که نقش مؤثری در شکل‌گیری و تأثیرگذاری این جریان داشت. این شاهزاده مصری و ترقی‌خواه با حمایت مالی از برخی چهره‌های اندیشمند جریان مذکور نظیر نامق کمال، علی سعوی و ضیاء‌پاشا فراهم کردن زمینه تأسیس روزنامه، نقش مؤثری در قوام نوعثمانی‌گری داشت. افزون بر این، وی با نگارش نامه‌ای به سلطان عبدالعزیز (حک: ۱۲۷۷-۱۲۹۳ق./۱۸۶۱-۱۸۷۶) به نقد ساختار قدرت

عثمانی و طرح راهکارهای بدیعی برای عبور از بحران پرداخت. این نامه فارغ از اصالت و جایگاه فکری نگارنده آن، از این نظر که هم ماهیت انتقادی دارد و هم الگویی بدیل برای اصلاح ساختار سیاسی عثمانی پیشنهاد می‌کند، شایسته بررسی جدی است. این نامه می‌تواند دریچه‌ای به فضای متحول فکری در عثمانی این زمان و درک نوعثمانیان از ماهیت بحران و راهکار آن بگشاید. به نظر می‌رسد محتوای نامه مذکور با طرح الگویی برگرفته از نظام‌های سیاسی غرب، تغییر گفتمان را از اصلاحات محدود به سوی دگرگونی ساختاری مبتنی بر نظام پارلمانی و حکومت قانون نمایندگی می‌کند. نویسنده این نامه کوشیده است نشان دهد که گذار از بحران در گرو اخذ الگوهای سیاسی غرب و اثبات کارایی آن الگوها برای حکومت است. راهکارهایی چون بسط آموزش و تعریف جایگاه کانونی برای «حریت» از مسائلی است که به‌زعم فاضل‌پاشا باید مورد توجه ساختار قدرت عثمانی قرار بگیرد و در نهایت، مفهوم «کنستی‌توسیون» را می‌توان جان‌مایه کلام و نامه او دانست.

پژوهش حاضر بر این پرسش استوار شده است که نقد فاضل‌پاشا بر وضع اقتصادی و سیاسی عثمانی برآیند کدام زمینه تاریخی است و او چه راهکارهایی برای عبور از وضع بحرانی عثمانی ارائه داده است؟ از این‌رو، نخست تحولات سیاسی و اقتصادی دوره سلطان عبدالعزیز بررسی شده و سپس با ارائه درک منسجمی از این زمینه تاریخی، متن نامه فاضل‌پاشا تحلیل خواهد شد. گزینش دو محور سیاسی و اقتصادی از آن‌روست که انتقادات فاضل‌پاشا بیشتر متوجه این دو مسأله است. بررسی مهم‌ترین رؤس این نامه نشان می‌دهد که فارغ از اختلاف نویسندگان با دستگاه سیاسی عثمانی، به‌واسطه مسأله تغییر قانون جانشینی در مصر، وضع اقتصادی و سیاسی عثمانی سبب شد فاضل‌پاشا به نقد این ساختار روی آورده و درصدد ارائه راهکارهایی برآید.

پیشینه پژوهش

جریان فکری نوعثمانیان تاکنون موضوع پژوهش مستقلی به زبان فارسی نبوده است. در تحقیقات فارسی اعم از پژوهش مستقل یا ترجمه، متفکران نوعثمانی صرفاً به‌صورت کوتاه معرفی شده‌اند و یا اشاره‌های گذرای به آرای آنان شده است.^۱ محوریت نقش

۱. در پژوهش‌های فارسی و آثاری که به فارسی ترجمه شده‌اند، عمدتاً به کمک مالی مصطفی‌فاضل‌پاشا به نوعثمانیان اشاره شده است. نک: ۶۸/۱؛ ۱۲۸/۳-۱۲۹، ۱۴۳، ۱۴۷؛ حضرتی، ۱۵۷-۱۴۶؛ استانفورد جی. شاو و ازل کورال شاو، ۲۲۵/۲-۲۳۳؛ آدمیت، ۱۳۲-۱۳۳.

نامق کمال (۱۲۵۶-۱۳۰۶ق. / ۱۸۴۰-۱۸۸۸م.) به واسطه کنش‌های سیاسی و جایگاه او در ترسیم ادبیات جدید ترکیه، فراوانی پژوهش‌ها درباره او در میان پژوهش‌های ترکی را در پی داشته است. علاوه بر نامق کمال، بخشی از پژوهش‌های ترکی درباره نعثمانیان به علی سعوی (۱۲۵۵-۱۲۹۵ق. / ۱۸۳۹-۱۸۷۸م.) اختصاص یافته است.^۱ طبیعتاً نقش مصطفی فاضل پاشا در مقایسه با دیگر نعثمانیان کمتر بوده و بالطبع به صورت محدودتر در کانون توجه پژوهش‌گران قرار گرفته است. بررسی اندیشه و جایگاه نعثمانیان در قالب پژوهش منسجم، امری بود که توسط پژوهش‌گر فقید، شریف ماردین تحقق یافت. اگرچه دیرزمانی از تألیف تک‌نگاری ممتاز او سپری شده است، اما هنوز اثری بی‌رقیب در این زمینه به شمار می‌رود. تسلط ماردین بر متون دست اول، نظریه‌ها و روش‌شناسی متناسب با موضوع، از پژوهش وی اثر بی‌بدیلی ساخته است. با وجود این، ماردین نیز در این اثر، از ارائه بحث درباره برخی وجوه کلی نامه فاضل پاشا فراتر نرفته است.^۲

زندگی و زمانه مصطفی فاضل پاشا

شکوه و شوکت سلاطین عثمانی تا دوره سلطان سلیمان قانونی چنان بود که گمان نمی‌کردند روزگاری در معرض نقد تحول‌خواهان قرار گیرد. وانگهی، تصور این که شاهزاده‌ای وابسته به ساختار قدرت عثمانی خود نویسنده یکی از نقادانه‌ترین نامه‌ها باشد نیز دور از ذهن بود. مصطفی فاضل پاشا با گسست از خاندان سلطنتی مصر و نگارش نامه‌ای انتقادی به سلطان عبدالعزیز، جامع این اضداد شد. مصطفی فاضل پاشا (۱۲۴۵-۱۲۹۲ق. / ۱۸۲۹-۱۸۷۵م.)، فرزند ابراهیم پاشا، والی مصر و نوه محمد علی پاشا (حک: ۱۲۲۰-۱۲۶۵ق. / ۱۸۰۵-۱۸۴۸م.) در شعبان ۱۲۴۵ / فوریه ۱۸۳۰ در قاهره دیده

۱. پژوهش‌های زیادی درباره نامق کمال و علی سعوی به نگارش درآمده است و آثار آنها گردآوری و چاپ شده است. نک:

Celik, Hüseyin, *Ali Suavi ve Dönemi*, İstanbul: iletişim yayınları, 1. Baskı, 1994; Kuntay, Mithat Cemal, *Sarıklı İhtilalci Ali Suavi*, İstanbul: Oğlak Yayıncılık, 2014; Kuntay, Mithat Cemal, *Namık Kemal : devrinin insanları ve olayları arasında*, İstanbul: Maarif Vekaleti, 1944; Kaplan, Mehmet, Engingün, İnci, Birol, Emel (1993). *Yeni Türk Edebiyatı Antolojisi II*, İstanbul, 2. baskı, Marmara Üniversitesi; Nergis Yılmaz Aydoğdu, İsmail Kara, *Namık Kemal Osmanlı Modernleşmesinin Meseleleri - Bütün Makaleleri I*, İstanbul: Dergâh Yayınları, 2005.

2. Mardin, Şerif. *The genesis of Young Ottoman thought*, Syracuse University Press, 2000, pp. 283-336.

گۆنش به نعثمانیان و آرای آنها پرداخته است و بخش‌هایی از نامه فاضل پاشا را درج کرده است: Güneş, İhsan, *Türk Parlamento Tarihi, Meşrutiyet Geçiş Süresi: I ve II Meşrutiyet*, Ankara: T.B.M.M. Vakfı Yayınları, 1996.

به جهان گشود. او به واسطهٔ تعلق به خانواده‌ای اشرافی از نعمت آموزش در سطوح عالی و بخت اشتغال در مشاغل دیوانی برخوردار شده بود. در ۱۸۶۶/۱۲۸۳ سلطان عبدالعزیز به قاعدهٔ وراثت «اکبریت»^۱ که از زمان محمدعلی پاشا وجود داشت، خاتمه داد. براساس قانون جدید ولیعهدی می‌توانست از پدر به پسر منتقل شود؛ قانونی که به ولیعهدی فاضل پاشا و جانشینی او به جای برادرش اسماعیل پاشا خاتمه داد (Buzpinar, 300). بهره‌مندی از همین خاستگاه زمینهٔ ورود وی به دستگاه سیاسی و دیوانی عثمانی را در سطوح مختلف فراهم کرد تا بتواند پشتیبان معنوی و مالی نوعثمانیان باشد.

بخت با نوعثمانیان یار بود که اسماعیل پاشا، خدیو مصر با سلطان عبدالعزیز و عالی پاشا (۱۲۳۰-۱۲۸۸ ق./۱۸۱۵-۱۸۷۱ م.) رابطهٔ حسنه‌ای برقرار کرد و حتی از در زدوبند و تطمیع با آنها وارد شد تا قانون جانشینی را تغییر دهد. ناگفته نماند اختلاف میان او و عالی پاشا، صدراعظم وقت هم بر سر سیاست‌های مالی زمینهٔ گسست او از ساختار قدرت را بیشتر فراهم کرد (Mardin, 30-31). پیوستن فاضل پاشا به نوعثمانیان برای آنها اهمیت حیاتی داشت. حمایت معنوی و مالی او از نوعثمانیان به‌ویژه در اروپا برای تکوین این جریان و پا گرفتن روزنامه‌های آنها بی‌مانند بود. پشتیبانی فاضل پاشا نقش بی‌بدیلی در نشر روزنامهٔ مخبر و حریت داشت. او برای تأسیس و آغاز به کار روزنامه‌های نوعثمانیان در اروپا ۲۵۰ هزار فرانک کمک کرد و زمینهٔ مساعدی برای عزیمت نامق کمال، علی سعاوی و ضیاء پاشا (۱۲۴۰-۱۲۹۷ ق./۱۸۲۵-۱۸۸۰ م.) به اروپا فراهم کرد (Karal, *Osmanlı tarihi, VII. Cilt, s. 307*; Atay, sayı 26, s. 9.). افزون بر این، فاضل پاشا نامه‌ای از خود بر جای نهاد که حاوی نقدهای جدی به ساختار قدرت عثمانی و طرح آراء سیاسی نو بود. متن کامل این نامه در ذیقعه ۱۲۸۳ ق/ مارس ۱۸۶۷ در روزنامهٔ لیبرته^۲ چاپ شد. این نامه با دو عنوان «یک اثر سیاسی»^۳ و «مکتوبی از پاریس»^۴ شهرت یافت و علی سعاوی هم در روزنامهٔ مخبر آن را منتشر کرد (Aatay, sayı 26, s. 8).^۵ بررسی محتوای نامه نشان می‌دهد که دو محور اقتصادی و

1. Akberiyet Kaidesi

2. La Liberté

3. Bir Eser-I Siyâsî

4. Paris'ten Bir Mektup

۵. تردیدهایی دربارهٔ انتساب این نامه به فاضل پاشا وجود دارد. ماردین با بررسی مجموعه‌ای از شواهد و قرائن عدم انتساب نامه به فاضل پاشا را قرین به صحت دانسته است. با وجود این نامه به امضای فاضل پاشا رسیده است و محققان هم عمدتاً این اثر را به نام فاضل پاشا منتشر کرده‌اند. برکس به این موضوع اکتفا کرده است که این نامه «توسط او نوشته شده یا امضاء شده است». کاپلان و دیگران ←

سیاسی کانون انتقادهای فاضل‌پاشا به ساختار دولت عثمانی است. از این رو نگاهی به بستر سیاسی و اقتصادی نگارش این نامه پیش از بررسی محتوای آن ضروری است.

سیمای سیاسی - اقتصادی عثمانی در نیمه دوم سده نوزدهم/سیزدهم

با جلوس سلطان عبدالعزیز بر اورنگ سلطنت دوره‌ای در تاریخ عثمانی آغاز شد که آستان مسائل بغرنجی بود. در دوره سلطان عبدالمجید (حک: ۱۲۵۵-۱۲۷۷ق. / ۱۸۳۹-۱۸۶۱م.) اصلاحات عصر تنظیمات در قالب دو فرمان خط شریف گلخانه و خط همایون بروز عینی یافت. در این اصلاحات، صدراعظم وقت، مصطفی‌رشیدپاشا (۱۲۱۴-۱۲۷۵ق. / ۱۸۰۰-۱۸۷۵م.) در ساختار قدرت حضور داشت.^۱ وی وارث مشکلات پیشین و به صورت مشخص جنگ کریمه (۱۲۷۰-۱۲۷۲ق. / ۱۸۵۳-۱۸۵۶م.) بود. از سوی دیگر، نوسازی‌های عثمانی در دوره سلطان محمود دوم (حک: ۱۲۲۳-۱۲۵۵ق. / ۱۸۰۸-۱۸۳۹م.) و سلطان عبدالمجید به برآمدن نسلی انجامیده بود که با نگاه انتقادآمیز به شیوه حاکمیت، الگوی اصلاحات رسمی را به پرسش کشیدند. این متفکران خواهان اعمال تغییراتی در حاکمیت و در تربیت و آموزش مردم بودند. از این رو دوره سلطان عبدالعزیز به دوره‌ای تبدیل شد که حجم چشم‌گیری از متون انتقادی در آن به نگارش درآمد. اما آن چه طغیان قلم نوعثمانیان را علیه ساختار قدرت در پی داشت، ترکیبی از مسائل اقتصادی و سیاسی بود.

جنگ‌های متعدد و استقلال‌خواهی‌ها تأثیر زیادی بر اقتصاد دولت عثمانی داشت. این مسائل ریشه در واقعیتی داشت که عثمانی از مدت‌ها پیش از دوره سلطان عبدالعزیز به آن گرفتار شده بود. افزایش گرفتاری‌های نظامی ضرورت صرف هزینه در این مورد را بیشتر در کانون توجه قرار داد. از ۱۲۴۲ق / ۱۸۲۶ بخشی از درآمدها به «منصوره خزانه‌سی» منتقل شد که برای نوسازی امور نظامی تأسیس شده بود (Zürcher, 44, 76; Pamuk, 107-108; Karal, *Osmanlı* (Tarihi, VI/213; Karal, "Gülhane Hatt-ı Hümayununda batının etkisi", 587

→ که مجموعه ادبیات جدید ترک را منتشر کرده‌اند نخستین بخش از این اثر را به نامه مصطفی‌فاضل‌پاشا اختصاص داده‌اند. نک:

Kaplan, Mehmet, Engingün, İnci, Birol, Emel. *Yeni Türk Edebiyatı Antolojisi II*, İstanbul, 2. baskı, Marmara Üniversitesi, 1993, ss. 1-11; Berkes, Niyazi. *The development of secularism in Turkey*, London: C. Hurst & Co, 1988, p. 205; Mardin, 278.

۱. برای آگاهی درباره مصطفی‌رشیدپاشا نک:

Kaynar, Reşat, *Mustafa Reşit Paşa ve Tanzimat*, Ankara: Türk Tarih Kurumu, 2. Baskı, 1985.

سنگینی هزینه‌های ناشی از جنگ کریمه، سبب شد دولتمردان عثمانی به سراغ استقراض بروند. البته هزینه‌ها به جنگ ختم نمی‌شد. ریخت‌وپاش‌های دولتمردان عثمانی همچون جشن‌های آنان و ساخت کاخ‌ها و تفرج‌گاه‌ها هم بار سنگینی بر دوش دولت نهاده بود. این مسائل در کنار نوسان جهانی نقره و معافیت گمرکی کالاهای اروپایی، رمق اقتصاد عثمانی را گرفته بود (Karal, *Osmanlı tarihi*, VI/ 205, 216; Davison, 262؛ شاو، ۱۷۶/۲-۱۷۷؛ عیسوی، ۲۳۳). کاپیتولاسیون و تبعات مالی و اقتصادی آن هم مزید بر علت شده بود تا عرصه را بر دولت عثمانی تنگ‌تر شود. رشته‌ای از مسائل و مشکلات، موجب شد که نقد نوعثمانیان را متوجه سیاست‌های اقتصادی پیشین به‌ویژه سیاست استقراض دوره تنظیمات شود.^۱ بدین ترتیب میراث مصائب سیاسی و اقتصادی در کنار بیماری و برخی خلقیات آزاردهنده سلطان عبدالعزیز حتی سبب شده بود تصویر هولناکی از او شکل بگیرد. وضع سیاسی هم به‌گونه‌ای بود که امکان ظهور صدراعظمی کارآمد وجود نداشت. تعدد صدراعظم‌هایی که در این مقطع روی کار آمده‌اند معنادار است (Karal, *Osmanlı tarihi*, VII/135-136; Temperley, 167-169).

سلطان سلیمان خود را «سلطان جهان» نامیده بود و بر وسعت سرزمین‌های تحت اختیار خود افتخار می‌کرد (اینالچق، ۷۳) اما عصر جهانگیری سلاطین عثمانی پایدار نبود. از نظر سیاسی، دو مسأله دامن‌گیر دولت عثمانی بود که نقد نوعثمانیان را در پی داشت. از یک سو، دولت برای حفظ یکپارچگی خود نیازمند مفهومی بود که با تکیه بر آن بتواند عناصر مختلف قومی - دینی را گرد هم آورد. این مفهوم در عثمانی‌گرایی جلوه یافت. اما برای تحقق این مفهوم در قالب سیاسی نیاز بود الگوی حکومتی مطرح شود که قائل به مفهوم حق برای همه اتباع باشد. برای تحقق این الگو عبور از ساختار اصلاحات و تبیین مبانی تئوریک بدیل سیاسی آن ضرورت داشت؛ این مهم به‌توسط نوعثمانیان تحقق یافت. تعریف حق برای اتباع عثمانی و کوشش برای سهیم کردن آن‌ها در ساختار حکومت، بروز بیرونی نگاه جدید به حاکمیت سیاسی بود. با توزیع قدرت سیاسی و تسری دامنه آن از سلاطین و دربار به مردم، این خواسته عثمانی‌ها می‌توانست جامه

۱. برای آگاهی بیشتر از این موضوع و نگرش نوعثمانیان، به ویژه نامق کمال به وضعیت اقتصادی نک:

لوئیس، ۱۴۸؛

Karpat, 51-52; Davison, 261; Kemal, Namık, "Sanat ve ticaretimiz", 279; Kemal, Namık, "İbret", 48-49; Kemal, Namık, "Terakki", 216; Karal, *Osmanlı tarihi*, VII/300-301; Çadırcı, 47-48; Siler, "Namık Kemal'in iktisadi görüşleri", 656-657, 662; Zürcher, 49-50, 89, 304.

عمل بیپوشد. نوعثمانیان بانی جریانی شدند که محوریت تمرکز را از اصلاحات به حکومت قانون سوق داد. آنان رویکردی انتقادی به نظام سیاسی مستقر مطرح کردند و کوشیدند سهم «مردم» به مفهوم مدرن کلمه را در کانون توجه قرار دهند. درچنین بستری نامه فاضل پاشا به سلطان عبدالعزیز منتشر شد.

وجوه انتقادی «مکتوبی از پاریس»

الف) نقد اوضاع اقتصادی و فساد اداری

توجه به اقتصاد یکی از وجوه مهم و آغازین نامه فاضل پاشاست. رکود صنعت، تجارت و زراعت از نخستین موضوع‌هایی است که از چشم فاضل پاشا دور نمانده است. به باور او این وضع به گونه‌ای دچار آسیب شده که رمق مردم را گرفته به گونه‌ای که آن‌ها جهت خروج از این وضع هیچ کوششی نمی‌کنند (8, *Lettre*).^۱ سخن فاضل پاشا با واقعیت اقتصادی دولت عثمانی در این زمان منطبق بود. کشاورزی عثمانی از نیمه سده سیزدهم/نوزدهم به دلایلی چون نبود فن‌آوری‌های کارآمد و راه و حمل و نقل مناسب، رشد چندانی نکرده بود (عیسوی، ۱۵۳، ۱۵۸). افزون بر این، فاضل پاشا، مشکلات مالی و تنگنای خزانه را که پیش روی دولت عثمانی قرار داشت، نقد کرده است. نگاهی به وضع مالی دوره عبدالعزیز نشان می‌دهد که سخن فاضل پاشا ناظر به برخی از واقعیت‌های اقتصادی در دولت عثمانی بود. نظامیان و کارمندان دولتی بارها از پرداخت نشدن حقوق‌شان گله‌مند بودند. علاوه بر جنگ و مسائلی چون ولخرجی‌های سلطان عبدالمجید که میراث نامطلوبی برای سلطان عبدالعزیز برجای گذاشت، وقوع برخی شورش‌ها و سقوط ارزش پول رایج عثمانی آغاز نامیمونی برای این سلطان بود (Davison, 110-111). در دوره عبدالعزیز شش فقره استقراض به کارنامه مالی دولت عثمانی افزوده شد که صرف هزینه‌های دربار یا مسائل بالکان می‌شد. البته کسانی چون محمود ندیم پاشا (۱۲۳۳-۱۳۰۰ق./ ۱۸۱۸-۱۸۸۳م.) کوشش‌هایی برای عبور از این بحران انجام دادند که به نتیجه نرسید (Karan, 37, *Osmanlı Tarihi*, VII/233-239). افزون بر آن عبدالعزیز تعلق خاطر مشخصی به خرید رزمناو و تفنگ‌های جدید، رژه نظامی و صرف هزینه برای تجملات چون ساخت کاخ داشت. هزینه‌های کلان زیاد بود و از سویی هم عبدالعزیز فهرست بلندبالایی از حقوق‌بگیران داشت که بالغ بر پانزده درصد

۱. به دلیل طولانی بودن عنوان نامه به همان واژه *Lettre* اکتفا شده است.

کل هزینه‌های عثمانی را می‌بلعیدند و خزانه دولت وضع نامساعدی داشت (شاو، ۲۷۱؛ کین‌راس، ۵۱۴؛ Temperley, 164).

در کنار وضع نامطلوب اقتصادی، فساد فراگیر و ظلم طبقه حاکم و بالتبع سقوط اخلاق در میان مردم از دید فاضل‌پاشا دور نمانده است. به‌باور او افزایش فساد در بدنه حاکمیت به تقسیم مردم به دو بخش «ظالم و مظلوم» انجامیده است. از نگاه او این افراد ظالم در ساختار سیاسی دولت قدرت مسلط به‌شمار رفته‌اند و با تکیه بر این قدرت «انواع منهیات» را هم مرتکب شده‌اند. با سرایت فساد ساختار دولت به بدنه جامعه، مردم هم گرفتار افول اخلاقی شده‌اند؛ امری که به‌باور فاضل‌پاشا شایسته «خون عثمانی» نیست.^۱ فاضل‌پاشا برای تأیید سخن خود به تاریخ عثمانی مراجعه کرده و صفاتی چون فتوت، فداکاری و وطن‌پرستی را در میان عثمانیان دارای ریشه کهن دانسته است. اما به‌زعم او مشکلات، توان ایستادگی مردم و پایداری این صفات پسندیده را از میان برده است (6, *Lettre*). فحوای این قسمت از نامه فاضل‌پاشا یادآور رؤیای نامق کمال است؛ آنجا که نقد خود را متوجه زوال اخلاق در میان مردم عثمانی کرده است (256-255, *Namık Kemal, Rüyâ*). فاضل‌پاشا در ادامه اذعان کرده است که شیوه اداره عثمانی باید تغییر کند در غیر این صورت تبعات سنگینی در انتظار خواهد بود. اما راهکار فاضل‌پاشا برای ارائه الگوی سیاسی مطلوب برای دولت عثمانی و اداره جامعه چیست؟

ب) نقد نظام آموزش

نقد ساختار آموزش و ضرورت توسعه الگویی جدید و برگرفته از غرب، مقوله دیگری است که فاضل‌پاشا در نامه خود پیش کشیده است. او با استناد به تجربه کشورهای غربی همچون سوئیس و انگلیس در زمینه توسعه نظام آموزشی کوشیده نشان دهد که دولت عثمانی در صورت اعمال چنین سیاست‌هایی به بسط آگاهی مردم یاری می‌رساند. فاضل‌پاشا که متذکر شده است یافتن افراد بی‌سواد در سوئیس کار دشواری است، در واقع وضع جامعه عثمانی در زمینه آموزش را به پرسش گرفته است. او همچنین به نمونه انگلیس اشاره کرده است که در آن هیأت حاکمه به‌مرور از امتیازات خود کاسته و همت خود را صرف گسترش علم و دانش در میان مردم کرده‌اند. در ادامه برای فاضل‌پاشا این پرسش مطرح شده است که با وجود چنین الگویی و شیوه پیشبرد امور

۱. در نسخه‌ی ترکی «خون عثمانی» به کار برده شده است. بنگرید به: پارسدن بر مکتوب، ۱۳۲۶: صص ۹۸.

در اروپا چرا عثمانیان باید به عقب بازگردند؟ (7, *Lettre*). هراس از بازگشت به عقب و هم‌سو نبودن با تحولات زمانه، در میان نوعثمانیان برخاسته از تجربه زیست آنها در غرب و به‌نوعی ملهم از اندیشه ترقی بود. نامق کمال، برجسته‌ترین متفکر نوعثمانی هم متأثر از این اندیشه، بر مردم و حاکمان دولت عثمانی نهیب می‌زند که روبه‌جلو حرکت کنند و مراقب افتادن در مسیر سکون و ایستایی باشند (Namık Kemal, *Rüya*, 257-258). البته کنش‌گران سیاسی عصر اصلاحات از ضرورت توجه به نظام آموزشی و بسط آن غافل نبودند، اما سخن از چنین مباحثی از سوی فاضل‌پاشا در نهایت فراهم کردن زمینه‌ای برای طرح الگوی سیاسی جدید منبعت از نظام اندیشه‌ای و دستگاه سیاسی غرب است.

ج) نقد سیاست دینی حکومت عثمانی

دیگر سویه انتقادی نامه فاضل‌پاشا معطوف به سیاست دینی عثمانی است. او دامنه اعمال قدرت دو حوزه دین و سیاست را مشخص کرده و خطاب به سلطان نوشته است که دین و مذهب بر روح حکم می‌رانند و به بندگان نعمت‌های اخروی را وعده می‌دهند. به باور او تحدید و تعیین حقوق ملت در زمره مسائلی قرار نمی‌گیرد که در حیطة اختیارات دین باشد. فاضل‌پاشا پا را فراتر نهاده و اذعان کرده است که اگر دین در همان مقام «حقایق ازلی» باقی نماند و در امور دنیوی مداخله کند هم دین و هم مسائل دنیوی آسیب می‌بینند. به زعم او عدالت در دنیا یک نوع است و نباید برای مسیحیان و مسلمانان سیاست جداگانه به کار گرفت؛ پس مسأله کلیدی نه به‌کارگیری عدالت برای مسلمانان یا مسیحیان که اعمال «عدالت صحیح» است (16, *Lettre*). این وجه نامه فاضل‌پاشا بیشتر از وجوه دیگر برای پژوهشگران جلب توجه نموده و تأکید بر «اصول لیبرالیسم» و «سیاست عرفی» و نیز «رویکرد سکولار» در این نامه از وجوه برجسته نامه برشمرده شده است (آدمیت، ۱۳۳؛ Mardin, 277). نیم‌نگاهی به آثار نوعثمانیان و کوشش آنها برای تطبیق آموزه‌های غربی و اسلامی وجه متمایز این بخش از نوشته فاضل‌پاشا را بیشتر نشان می‌دهد. نامق کمال در قالب آثار متعددی کوشید مفاهیمی چون وطن‌پرستی، نظام پارلمانی و آزادی را با آموزه‌های اسلامی سازگار کند (حریت‌غزته‌سی، نومرو ۱/۲-۲؛ نومرو ۱/۴-۳؛ نومرو ۷/۱۲)^۱؛ تلاشی که در آثار علی

۱. نامق کمال رشته مقالاتی با عنوان «اصول مشورت» نوشت که درصدد توجیه نظام پارلمانی براساس طرح نظام مشورتی اسلام بود: «اصول مشورت حقننده مکتوبلر»، در: *مقالات سیاسی و ادبیه، استانبول، ۱۹۱۱، ۱۷۶-۲۳۱*.

سعاوی هم هویداست.^۱ با نگاهی به آثار نوعثمانیان و کوشش آن‌ها برای سازگاری مفاهیم برخاسته از سپهر گفتمانی غرب و آموزه‌های اسلامی، می‌توان دریافت که چرا این بخش از نامه فاضل‌پاشا به صورت جدی در کانون توجه پژوهشگران بوده است.

پیشنهاد راهکار: تحقق «نظام سربستانه»

واکاوای محتوای نامه فاضل‌پاشا برای درک راهکاری که برای حاکمیت سیاسی عثمانی ارائه می‌دهد، دو نکته را روشن می‌سازد. نخست، او کوشیده است نشان دهد عثمانی با تکیه بر اصلاحات از تنگناهای موجود عبور نکرده است. به باور او اگر قرار بود نوسازی‌های انجام‌شده برای گذار از این تنگناها پاسخگو باشد وضع به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد، پس عبور از اصلاحات و بازاندیشی در شیوه حاکمیت ضروری است. دوم، فاضل‌پاشا به طرح الگوی سیاسی بدیلی می‌پردازد که بتواند فراتر از اصلاحات عمل کند. از این رو، به سراغ تجربه کشورهای اروپایی رفته و تجربه سیاسی آنها را به مثابه الگویی مطلوب معرفی کرده است. ضرورت تقویت بنیه ارتش یکی از مسائلی است که به باور فاضل‌پاشا در تغییر وضع برخی از کشورهای اروپایی تأثیرگذار بوده است، اما در نهایت بر این نکته تأکید کرده است که تغییرات ساختاری این کشورها، رهاورد «نظام سربستانه» بوده است (Lettre, 16). او با انتقاد از فساد فراگیر ساختار قدرت عثمانی، زمینه‌ای را برای ارائه الگوی خود فراهم کرده است. فاضل‌پاشا تجربه تاریخی کشورهای فرانسه، اتریش و پروس را برشمرده و با وصف وضع آن‌ها پیش و پس از به‌کارگیری حکومت مشروطه^۲ تلاش کرده است این شیوه حاکمیت را تعریف کند. البته کانون توجه فاضل‌پاشا عمدتاً متوجه فرانسه و انقلاب ۱۷۸۹ آن کشور است (Lettre, 9, 16). فاضل‌پاشا از اصطلاح کنستی‌توسیون بهره گرفت که در متن ترکی به «نظام سربستانه» ترجمه شده است (پارسیدن بر مکتوب، ۱۳۲۶: ۱۶). تأکید بر اندیشه حکومت قانون و برقراری نظام مشروطه به فاضل‌پاشا محدود نمی‌شود و دیگر متفکران نوعثمانی هم به این مفهوم پرداخته‌اند. نامق کمال در آثار خود به نظام قانون‌گذاری، ضرورت اعمال اراده

۱. سعاوی، مخبر غزته‌سی، «امراض داخلی»، نسخه ۱۹، ۴؛ مخبر، «۱۹ نمره دکی امراض داخلی» نک مابعدی، نسخه ۲۰، ۱-۲؛ مخبر، «سؤال و جواب»، نسخه ۲۲، ۴؛ نیز نک: حضرتی، حسن و توران طولابی، «علی سعاوی و اندیشه پارلمان‌تاریسم در امپراتوری عثمانی»، پژوهش‌نامه تاریخ/اسلام، سال اول، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۰، ۶۸-۵۷.

2. un gouvernement constitutionnel/ régime constitutionnel

مردم و حق حاکمیت آنها توجه کرده است. او «نظامات اساسیه»ی فرانسه و تجربه پارلمانی انگلستان را به عنوان الگو معرفی کرده است (حریت غزته‌سی، نومرو ۱: ۵۰۶؛ نومرو ۲: ۶). علی سعوی هم برای علاج مصائب عثمانی به تجربه فرانسه اشاره کرده و همان اصطلاح «فنستتسیون» را به کار گرفته است.^۱

اما توزیع قدرت سیاسی و دخالت مردم در ساختار حاکمیت چه دستاوردی می‌توانست برای اداره عثمانی داشته باشد؟ عثمانی گستره وسیع جغرافیایی در اختیار داشت که سبب گرد آمدن اقوام و ادیان متعدد در کنار هم شده بود (Davison, 40, 61-62). با ظهور نشانه‌های افول در عثمانی این پرسش مطرح شد که طیف متعدد دینی و قومی مذکور را چگونه می‌توان در ذیل نام عثمانی نگه داشت؟ دولت عثمانی به ضعف گراییده بود و قدرت‌های خارجی در امور آن دخالت داشتند. وانگهی، جریان‌های استقلال‌خواهانه و تکوین هویت‌های ملی جدید متأثر از تکانه‌های قدرتمندی چون انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه قوت داشتند و پرسش درباره این تنوع دینی - قومی رنگ جدی‌تری به خود گرفته بود. دولت عثمانی جهت بهبود وضع داخلی، اقلیت‌های بیگانه و سلب بهانه از آنها برای دخالت در امور داخلی‌شان از رهگذر حفظ حقوق اقلیت‌ها، کوشید راهکاری برای این مسأله بیابد. یکی از راهکارها، اصلاحات بود. با صدور فرمان‌هایی چون خط شریف گلخانه و فرمان اصلاحات، دولت عثمانی درصدد بود نشان دهد که قادر به رعایت حقوق همه اتباع خود است. عثمانی‌گرایی هم جریان فکری بود که از بطن این وضع زاده شد. باورمندان به جریان مذکور به دنبال تعریف وجه اشتراک میان طیف‌های مختلف دینی - قومی عثمانی بودند (Karal, Osmanlı Tarihi, VIII/14, 229). برقراری نظام مشروطه و تعیین حقوق برابر برای همه اتباع عثمانی یکی از راهکارهای تحقق مفهوم عثمانی‌گرایی در وجه عینی آن بود. تأکیدى که فاضل‌پاشا به «تساوی حقوق»^۲ مسلمانان و مسیحیان در صورت تحقق نظام مشروطه کرده است از همین زاویه قابل بررسی است (Lettre, 11).

به باور فاضل‌پاشا در سایه نظام مشروطه، مسلمانان و مسیحیان می‌توانند در حقوق و وظایف خود از مساوات برخوردار شوند؛ وضعی که در سایه آن اعتدال هم برقرار خواهد شد. البته تجربه اصلاحات در دوره‌های پیشین نشان داده بود که طرح ضرورت

۱. «امراض داخلیه»، مخبر غزته‌سی، نسخه ۱۹؛ «اصول مشورت»، مخبر غزته‌سی، نسخه ۲۷، ۱.

«خطبه»، مخبر غزته‌سی، نسخه ۳۴، ۲، «خطبه»، مخبر غزته‌سی، نسخه ۳۷، ۱.

2. égalité de droits

مفاهیمی چون حکومت قانون هم بدون مانع نخواهد بود.^۱ از این رو در بخشی از نامه، هراس فاضل‌پاشا از مواجهه عناصر ذی‌نفع ساختار قدرت بازتاب یافته است. او اذعان کرده است که مشاوران و اطرافیان سلطان ممکن است اصطلاح *نظام سربستانه* را برای او به شکل دیگری معنا کرده و ذهن او را درباره آن مشوش کنند. این افراد به سلطان القاء می‌کنند که نظم نو ضمن فروکاستن جایگاه او، استقلال و قدرتش را هم از میان می‌برد و حتی دین مردم را هم در معرض تهدید قرار می‌دهد. این دغدغه فاضل‌پاشا را بر آن داشت تا بکوشد به سلطان اطمینان خاطر دهد که نظام نو به جایگاه او آسیبی نمی‌زند و قطعاً «افکار پدران»^۲ همچنان در مدنظر قرار خواهد بود (Lettre, 17). تلاش برای آسوده کردن خیال سلطان در آثار دیگر متفکران نوعثمانی چون ضیاء‌پاشا هم هویداست؛ آنجا که در عالم رؤیا می‌کوشد سلطان عبدالعزیز را متقاعد کند که پارلمان به جایگاه ملوکانه او لطمه‌ای نخواهد زد (Ziya Paşa, Rüyâ, 111). فاضل‌پاشا اذعان کرده است تحقق این نظام در زندگی فردی مردم هم دخالتی نکرده و حافظ حریت، مال و ملک مردم است. وانگهی، در سایه *نظام سربستانه*، افزون بر تقویت اساس دولت و برقراری مساوات میان مذاهب مختلف، می‌توان مانعی در برابر مداخلات بیگانگان ایجاد کرد (Lettre, 12-13). او سازوکار نظام مشروطه را هم بدین ترتیب تعریف کرده است که در سایه انتخاباتی آزاد از هر ایالتی افرادی برگزیده شده و یک «مجلس کبیر» در استانبول شکل بگیرد (پارسدن بر مکتوب، ۱۳۲۶: ۲۵).^۳ این شاهزاده مصری همچنین کوشیده است نشان دهد که این مجلس و ساختار سیاسی متعاقب آن نافی قدرت سلطان نیست و نمایندگان مجلس هنگام حضور در استانبول باید مطالبات مردم را رصد کرده و به صورت مستقیم به اطلاع او برسانند (Lettre, 17). برای دولت عثمانی که با وجود کثرت استقلال‌خواهی‌ها هنوز تنوع قومی و دینی داشت، برقراری نهاد پارلمان می‌توانست از این منظر نیز اهمیت یابد که در سایه آن مسلمانان و مسیحیان گرد هم آمده و تضمینی برای بقای دولت باشد؛ نشانه‌ای که در نامه فاضل‌پاشا هم جلوه یافته است (Lettre, 23).

۱. برای نمونه می‌توان به «واقعۀ کوله‌لی» اشاره کرده که در ۱۲۷۶ق./۱۸۵۹م. برای اعتراض به فرمان خط شریف گلخانه (۱۲۵۵ق./۱۸۳۹م.) و فرمان اصلاحات (۱۲۷۲ق./۱۸۵۶م.) در عصر تنظیمات شکل گرفت. نک: Davison, 101-102

۲. در متن ترکی از اصطلاح «افکار پدران» برای intentions paternelles استفاده شده است: پارسدن بر مکتوب، ۱۳۲۶، ۲۵.

۳. مجلس کبیر به عنوان ترجمه این اصطلاح به کار برده شده است: une assemblée librement

آزادی یکی از مفاهیم بنیادینی است که متفکران معاصر جهان عثمانی و ترکیه جدید در کنار ضرورت تحقق نظام مشروطه از آن سخن گفته‌اند.^۱ از انتشار روزنامه حریت در لندن - به پشتگرمی فاضل‌پاشا - تا نگارش اثر رؤیا توسط نامق کمال با درون‌مایه و شخصیت محوری حریت، تلاش دیرپایی برای بسط مفهوم آزادی در میان متفکران ترک آغاز شد. این تکاپو پس از جمهوریت نیز توسط کسانی چون احمد آقاییف با درون‌مایه‌ای نزدیک به رؤیای نامق کمال و محوریت مفهوم حریت تداوم یافت (Namık Kemal, *Rüya*, 254-255; Ağaoglu, 127) تا این متفکران نشان دهند که این مفهوم جایگاه کانونی در ساختار سیاسی مدرن دارد. فاضل‌پاشا هم پیشرفت فرانسه و تبدیل آنها به «پویاترین و غنی‌ترین» مردم را پیامد بسط حریت دانسته است (Lettre, 9). از نگاه فاضل‌پاشا نسبت مردم عثمانی با نظام سیاسی مدرنی چون نظام مشروطه و ساختار پارلمانی چیست؟ پاسخ به این پرسش یکی از وجوه متمایز نامه او را رقم زده است. فاضل‌پاشا به صورت مشخص از مردم «ترک» سخن گفته که به‌زعم او دارای سرشت متمایزی با دیگر مردم نیستند، از این‌رو نباید مانعی بر سر راه آنان جهت تحقق حکومت مشروطه وجود داشته باشد. این سخن به مثابه جلوه‌ای از رونق اندیشه ترک‌گرایی در نامه او تلقی شده است (Karal, *Osmanlı Tarihi, VII. Cilt*, 295). او سپس پرسش‌هایی از این دست را مطرح کرده است: «تنها مردم ترک از این قاعده‌ای که وجه عمومی به خود گرفته است باید استثناء باشند؟ یعنی ملت ترک در سطوح پایین‌تری از دیگر ملت‌ها قرار دارند؟ در خلقت مردم ترک با دیگر مردم تمایزی نهفته است که آنان را باید جدا از دیگران تلقی نمود؟» (Lettre, 16). فاضل‌پاشا با طرح این پرسش‌ها عملاً بر سرشت برابر ترک‌ها با مردمی تأکید کرده است که ساختارهای مدرنی چون نظام مشروطه را برای حاکمیت برگزیده‌اند. بر همین اساس باید پایبندی به اصول کهن را در حاکمیت کنار نهاد و به مسیری رفت که دیگران رفته‌اند و به تحول جایگاه آنها منتهی شده است؛ حکومت مشروطه (Lettre, 17). اما آیا تحقق مشروطه عثمانی تحقق آرمان فاضل‌پاشا بود؟

مشروطیت و جمهوریت، تحقق یا توقف آرمان فاضل‌پاشا؟

فاضل‌پاشا نخست با طرح انتقادهای خود به ساختار قدرت عثمانی به ارائه راهکارهایی

۱. در ترجمه این نامه هم همان معادل رایج حریت برای لیبرته (liberté) آمده است: پارسدن بر مکتوب،

برای عبور عثمانی از بحران پرداخت که ریشه در فرهنگ سیاسی غرب داشت. غرب، الگوی مطلوبی فراروی طیفی از اندیشه‌گران متجدد مسلمان در دوره معاصر قرار داد و آنها کوشیدند این الگو را برای حاکمیت سیاسی جوامع خود به کار گیرند. اما درباره این نامه این پرسش مطرح می‌شود که باصرف‌نظر از وجوه تمایز غرب و عثمانی، آیا اصولاً امید به بهبود «مرد بیمار اروپا» چشم‌پوشی از واقعیات حاکم بر دولت عثمانی نبود؟ یعنی تلقی فاضل‌پاشا این بود که با ارائه الگوهای غرب به جامعه عثمانی بحران پیش رو رخت برمی‌بندد؟ به هر حال زمانه آستن اتفاق نوی در سپهر سیاسی دولت عثمانی بود. بخت زندگی بیشتر یار فاضل‌پاشا نبود که مشروطه اول عثمانی را شاهد باشد. روی هم رفته، عمر شخصیت‌های مطرح نوعثمانی آنقدر کوتاه بود که فقط تحقق مشروطه اول را شاهد بودند. اما آیا اگر فاضل‌پاشا زنده بود و تحقق مشروطه را به نظاره می‌نشست همچنان بر این سخن خود سخت‌جانی می‌کرد که در صورت عبور از اصلاحات و گذار به بهره‌گیری از ساختارهای حکومتی با آبخشورهای غربی، عثمانی راهی را می‌پیماید که فرانسه و دیگر کشورهای اروپایی پیمودند؟ به نظر می‌رسد فهم فاضل‌پاشا از مفهوم توسعه، مبتنی بر درک واقعیت‌های تاریخی و فرهنگی غرب نیست و او جلوه متأخری از توسعه تمدنی غرب یعنی نظام مشروطه را با نگرش فروکاهانه برای عثمانی پیشنهاد کرده است. از این‌رو، این شیوه نگرش و راهکار نهایی او برای غلبه بر وضع بحرانی عثمانی نمی‌توانست پاسخگوی نیازهای ساختاری عثمانی رو به زوال باشد.

مشروطه در نهایت در در دوره سلطان عبدالحمید دوم (حک: ۱۲۹۳-۱۳۲۷ق./ ۱۸۷۶-۱۹۰۹م.) به بار نشست اما موانع جدی پیش روی آن قرار داشت. مسائل اقتصادی پیش روی دولت عثمانی در دوره سلطان عبدالحمید دوم هم تداوم یافت. پیش از سلطنت او هم هزینه‌ها بر درآمدهای خزانه برتری داشت و حتی به ورشکستگی مالی سال ۱۲۹۲ق./ ۱۸۷۵م. انجامیده بود. هزینه‌های جنگ، موجب نظامیان و حقوق کارمندان دولت هم آن‌قدر بالا گرفته بود که دولت سلطان عبدالحمید از پس پرداخت آن بر نمی‌آمد. جنگ و خودمختاری‌های دوره این سلطان هم سبب از دست رفتن حدود یک‌سوم مساحت و بیست درصد جمعیت عثمانی شد. مدحت‌پاشا (۱۲۳۸-۱۳۰۱ق./ ۱۸۲۲-۱۸۸۴م.) هم در کوشید راهکاری برای حل مشکلات مالی بیابد. این دغدغه در نطق سلطان عبدالحمید در افتتاح مجلس مبعوثان در ۱۲۵۵ق./ ۱۸۷۶م.) هم جلوه یافت.^۱

۱. برای آگاهی درباره وضعیت ترسیم‌شده بنگرید به: لوئیس، ۱۴۸؛ عیسوی، ۸۴-۸۵؛ شاو، ۲۸۲؛ Milgrim, 519; Zürcher, 85, 88-89; Karal, *Osmanlı Tarihi, VIII. Cilt*, 14, 369, 415; Deringil, 346; İpek, 20; Karal, *Osmanlı Tarihi, VIII. Cilt*, 14, 415-417; Kili/Gözübüyük, 48.

فاضل‌پاشا در بخشی از نامه خود نوشته بود نباید در تحقق الگوی سیاسی کارآمد برای دولت عثمانی آنقدر تعلل کرد که کار از کار بگذرد (Lettre, 23).^۱ اما واقعیت آنجاست که برای بقای عثمانی دیگر کار از کار گذشته بود. افزون بر مشکلات اقتصادی، هم‌زمان نگارش این نامه و هم‌پس از مرگ فاضل‌پاشا، عثمانی‌گرایی همچنان به‌عنوان یک جریان فکری تأثیرگذار در بدنه سیاسی عثمانی وجود داشت. با این که یوسف آقچورا (۱۲۹۳-۱۳۵۳ ق. / ۱۸۷۶-۱۹۳۵ م.) چند سال پیش از تحقق مشروطه دوم با نگارش «سه طرز سیاست»^۲ آشکارا به داوری درباره سه جریان فکری عثمانی‌گرایی، اسلام‌گرایی و ترک‌گرایی نپرداخت، اما تلویحاً به وضعی اشاره کرد که دیگر نمی‌توانست بر پاشنه پیشین بچرخد (آقچورا، ۱۳۹۲: ۶۲-۶۸). با وجود این مفهوم عثمانی‌گرایی در سپهر گفت‌وگو عثمانی همچنان گران‌جانی می‌کرد. متفکران و کنش‌گران سیاسی در آستانه مشروطه دوم و حتی چندی پس از آن همچنان بر ضرورت پایبندی به عثمانی‌گرایی پافشاری می‌کردند اما در زمانه‌ای که عمر امپراتوری‌های بزرگ روبه پایان بود و نظم جدید برآمده از جنگ جهانی اول الگوهای دیگری برای حاکمیت پیش رو می‌نهاد، تنها چشم‌انداز «ترکیه» پیش روی آنان قرار گرفت. اگر چند بندی که فاضل‌پاشا درباره ضرورت احیای «ملت ترک» در نامه خود آورده است (Lettre, 16) ملاک قرار گیرد، می‌توان گفت با ظهور مصطفی‌کمال پاشا و ترکیه جدید بخشی از آرمان او تحقق یافت. هرچند در نهایت این را هم نمی‌توان نادیده گرفت که انتشار آثار نوشتاری و پافشاری نوع‌ثمانیان و بعداً ترکان جوان بر کنش‌های سیاسی بستری فراهم آورد که در ظهور و تقویت پایه‌های مفاهیم و نهادهای سیاسی مدرن در ترکیه نقش داشت.

نتیجه‌گیری

زمانی که قسطنطنیه فتح شد (۸۵۷ ق. / ۱۴۵۳ م.) و سلاطین عثمانی بر شهری مسلط شدند که به باورشان «تختگاه عالم» بود، گمان نمی‌کردند افولی هم در پی این «شکوه» باشد. درک این افول رشته‌ای از اصلاحات را ایجاب کرد که در قالب مقاطعی چون عصر لاله، نظام جدید و عصر تنظیمات بروز یافت. اما با ظهور جریان فکری نوع‌ثمانیان زمینه‌ای برای فراتر رفتن از سطح اصلاحات و طرح الگوهایی چون نظام مشروطه و بسط آزادی‌های فردی و اجتماعی فراهم شد. مصطفی‌فاضل پاشا افزون بر این که از نظر مادی

1. Il est trop tard!

2. Üç Tarz-ı Siyaset

پشتوانه کنش فکری نوعثمانیان شد، با نگارش نامه‌ای به سلطان عبدالعزیز به تکوین جریان نظام‌مندی برای طرح اندیشه‌های جدید از سوی نوعثمانیان کمک کرد. واکاوی محتوای این نامه در زمینه تاریخی آن، محور این پژوهش بود. نامه ناظر بر نقد وضع اقتصادی، فساد اداری، نظام آموزشی و سیاست دینی عثمانی است و بروز بیرونی تشدید بحران سیاسی در دولت به شمار می‌رود. اما راهکار نهایی فاضل‌پاشا برای رویارویی با این وضع، گذاری صریح و بی‌پرده از سطح اصلاحات به سطح ضرورت برقراری حکومت قانون است. مفهوم «کنستی‌توسیون» یا به تعبیر آن زمان «نظام سربستانه» کلیدی‌ترین مفهومی است که به‌باور فاضل‌پاشا در تحول کشورهای اروپایی تأثیر داشته است. به‌زعم او افول دولت عثمانی را تنها با تکیه بر مفاهیم سیاسی جدید برخاسته از آبخور غربی و به‌صورت مشخص «نظام مشروطه» می‌توان متحول کرد. بررسی سپهر سیاسی عثمانی در زمانی که فاضل‌پاشا زنده نبود نبود، نشان می‌دهد با وجود به بار نشستن دو مشروطه، بحران همچنان پایدار ماند و این راهکار ترک‌گرایی بود که پیش روی عثمانی روبه زوال قرار گرفت. به نظر می‌رسد تلقی فاضل‌پاشا از غرب و ضرورت اخذ الگوی سیاسی از آن برای ساختار سیاسی عثمانی از یک نگرش فروکاهانه مایه گرفته است. این نگرش دستاوردهای تمدنی غرب را، فارغ از این که در چه زمینه و بستری تکوین یافته است، به جلوه‌های متأخر آن فرومی‌کاهد. وانگهی درک فاضل‌پاشا از شرایط سیاسی و اقتصادی دولت عثمانی در این مقطع درک نظام‌مند و مبتنی بر شناخت مسائل ساختاری حکومت عثمانی نیست و عمدتاً کاستی‌ها و معلول‌ها را نشانه رفته است. همین سبب شده است تا او موانع بنیادین پیش روی دولت عثمانی برای کاربست مفاهیم سیاسی غرب را نادیده بگیرد. به هر حال دولت عثمانی افزون بر مسائل خارجی، همچنان گرفتار مشکلات اقتصادی، شورش‌ها و استقلال‌خواهی‌های داخلی بود و عثمانی‌گرایی به مثابه راهکاری برای حفظ طیف‌های مختلف قومی و دینی عثمانی می‌رفت تا ناکارآمدی خود را آشکارا نشان دهد. با وجود این نمی‌توان از اهمیت نامه در اندیشه سیاسی معاصر عثمانی چشم پوشید. کاربست مفهوم مشروطیت برای عثمانی راهکار نهایی غلبه بر بحران نشد، اما این نامه در کنار کارنامه فکری نوعثمانیان به تدریج به تکوین اندیشه سیاسی مدرن و بسط تحول‌خواهی در قالب نهادهای نو در عثمانی یاری رساند. از این منظر «مکتوبی از پاریس» بخشی از حیات فکری عثمانی را نمایندگی می‌کند که به تکوین اندیشه سیاسی مدرن در ترکیه کمک کرد.

منابع

- آدمیت، فریدون، *اندیشه ترقی و حکومت قانون در عصر سپهسالار*، تهران: خوارزمی، چاپ سوم، ۱۳۸۵.
- آقچورا، یوسف، *سه طرز سیاست، رساله‌ای در اندیشه سیاسی اواخر عثمانی*، ترجمه رسول عربخانی، تهران، پردیس دانش، ۱۳۹۲.
- اینالجب، خلیل، *امپراتوری عثمانی، عصر متقدم ۱۳۰۰ تا ۱۶۰۰*، ترجمه کیومرث قرقلو، تهران: بصیر، ۱۳۸۸.
- حضرتی، حسن، *مشروطه عثمانی*، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۸۹.
- حضرتی، حسن و توران طولابی، «*علی سعادی و اندیشه پارلمانتاریسم در امپراتوری عثمانی*»، پژوهش‌نامه‌ی تاریخ اسلام، سال اول، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۰، صص ۵۷-۶۸.
- رئیس‌نیا، رحیم، *ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم*، تهران: ستوده، ۱۳۷۴.
- شاو، استانفورد جی و ازل کورال، *تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید*، ترجمه محمود رمضان‌زاده، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.
- عیسوی، چارلز، *تاریخ اقتصادی خاورمیانه و شمال آفریقا*، تهران: نشر پاپیروس، ۱۳۶۸.
- کین‌راس، پاتریک بالفور، *قرون عثمانی*، ترجمه پروانه ستاری، تهران، کهکشان، ۱۳۷۷.
- کمال، نامق، «اصول مشورت حقنده مکتوبلر»: مقالات سیاسی و ادبیه، استانبول، ۱۹۱۱.
- لوتیس، برنارد، *ظهور ترکیه نوین*، ترجمه محسن علی سبحانی، تهران: اطلاعات، ۱۳۸۱.
- مصطفی‌فاضل پاشا، *پارسدن بر مکتوب*، در سعادت: ارتین آصادوریان مطبعه‌سی، ۱۳۲۶ ق.
- حریت غزته‌سی، نومرو ۱، ۱۴ ایلول ۱۲۸۵.
- مخبر غزته‌سی، نسخه ۱۹؛ نسخه ۲۰؛ نسخه ۲۲.
- Ağaoğlu, Ahmet(1930), *Serbest İnsanlar Ülkesinde*, İstanbul, Sanayii Nefise Matbaası.
- Atay, Neşet. Halil, "Ali Suavi kendine göre", *İstanbul Mecmuası*, sayı 25-30, 1944-45.
- Berkes, Niyazi. *The development of secularism in Turkey*, London: C. Hurst & Co, 1988.
- Buzpınar, Tufan, "Mustafa Fazıl Paşa", *İslâm Ansiklopedisi (İA)*, 31. Cilt, İstanbul, 2006, ss. 300-301.
- Çadırçı, Musa(1991), "Namık Kemal'in sosyal ve ekonomik görüşleri", *OTAM*, sayı 2, Ankara, , 1991, ss. 47-48.
- Davison, Roderic H. *Reform in Ottoman Empire (1856-1876)*, Princeton University Press, 1963.
- Deringil, Selim, "legitimacy structure in the Ottoman state: The reign of Abdulhamid II(1876-1909)", *IJMES*, Vol. 23, No. 3(Aug, 1991).
- Güneş, İhsan, *Türk Parlamento Tarihi, Meşrutiyet Geçiş Süresi: I ve II Meşrutiyet*, Ankara: T.B.M.M. Vakfi Yayınları, 1996.
- İpek, Nedim, "1877-1878 Osmanlı Rus savaşı", *Türkler Ansiklopedisi*, Cilt 13.
- Karpat, Kemal. *Studies on Ottoman social and political history; selected articles and essays*, Brill, 2002.

- Karal, Enver Ziya. *Osmanlı tarihi, VI. Cilt, Islahat Fermani Devri (1856-1861)*, Ankara: Türk Tarih Kürümü, 8. Baskı, 2007.
- Karal, Enver Ziya. *Osmanlı tarihi, VII. Cilt, Islahat Fermani Devri (1861-1876)*, Ankara: Türk Tarih Kürümü, 8. Baskı, 2007.
- Karal, Enver Ziya. *Osmanlı tarihi, VIII. Cilt, Birinci Meşrutiyet ve İstibdat devirleri(1876-1907)*, Ankara: Türk Tarih Kürümü, 8. Baskı, 2007.
- Karal, Enver, Ziya, “Gülhane Hatt-ı Hümayununda batının etkisi”, *Belleten*, Cilt XXVIII, Ekim, sayı 112, 1964.
- Kemal, Namık, *Rüya*, ss. 251-256, in: Kaplan, Mehmet, Engingün, Inci, Birol, Emel(1993). *Yeni Türk Edebiyatı Antolojisi II*, İstanbul, 2.baskı, Marmara Üniversitesi.
- Kili, Suna. Şeref Gözübüyük, *Türk Anayasa Metinleri, Senedi İttifaktan Günümüze*, Ankara, Kurtuluş Ofset Basımevi, 1982.
- Kuran, Ercumend. “La politique d’Abdulhamid II dan la crise d’Orient (1876-1878)”, *Revue d’histoire modern et contemporaine*(1954), T. 27e, No. 1, Aspects de la crise d’Orient(1875-1878), Jan- Mar, 1980.
- Lettre du prince Moustapha Fazil - Pacha a sa majesté Abul Aziz Sultan de Turquie**, Le Caire: Imprimerie de L’institut Français D’archéologie Orientale, 1940.
- Mardin, Şerif. *The genesis of Young Ottoman thought*, Syracuse University Press, 2000.
- Menemencioğlu, Nermin, “Namık Kemal abroad: A Centenry”, *MES (Middle Eastern Studies)*, Vol. 4, No. 1(Oct., 1967).
- Milgrim, Michael R, “An Overlooked Problem in Turkish-Russian Relations: The 1878 War Indemnity”, *IJMES (International Journal of Middle East Studies)*, Vol. 9, No. 4 (Nov., 1978).
- Nergis Yılmaz Aydoğdu, İsmail Kara, **Namık Kemal Osmanlı Modernleşmesinin Meseleleri - Bütün Makaleleri 1**, İstanbul: Dergâh Yayınları, 2005.
- Pamuk, Şevket, “The Ottoman Empire in “Great Depression” of 1873- 1896”, *JEH (The Journal of Economic History)*, Vol. 44, No. 1(1984).
- Sançar, Nejdet, “Ziya Paşa'nın eserleri ve eserlerinin çeşitli basımları”, *Türk Kütüphaneciler Derneği Bülteni*, Cilt. 7, sayı 1, ss. 1-14.
- Siler, Abdurrahman, “Namık Kemal'in iktisadi görüşleri”, *TA(Türkler Ansiklopedisi)*, Cilt 14, ss. 656-664.
- Temperley, Harold (1933), “British policy towards parliamentary rule and constitutionalism in Turkey (1830-1914)”, *CHJ (Cambridge Historical Journal)*, Vol. 4, No.2.
- Ziya Paşa, *Rüya*, ss. 109-128, in: Kaplan, Mehmet, Engingün, Inci, Birol, Emel(1993). *Yeni Türk Edebiyatı Antolojisi II*, İstanbul, 2.baskı, Marmara Üniversitesi.
- Zürcher, Erik. J, *Turkey, A modern history*, New York, Tauris, 1997.

